

سرمقاله

امنیت را جدی بگیریم

حفیظ الله زکی

انفجارهای پیاپی و همزمان در ولایت های مختلف افغانستان نشان می دهد که کنترل حکومت بر اوضاع امنیتی کاهش پیدا کرده و هراس افگنان با فکر آرام می توانند اهداف شان را شناسایی و مورد حمله قرار دهند. در پانزده سال گذشته کمتر زمانی بود که شهروندان کشور با خیال آرام خوابیده باشند و با اطمینان خاطر از خانه بیرون شده باشند. سایه مرگ همیشه به صورت دشمن نامرئی مردم ما را تعقیب کرده و چه بسا به نیستی و نابودی کشانیده است.

مسئولان حکومتی همواره وعده داده اند که امنیت شهروندان را بهبود می بخشند؛ اما نه تنها این وعده ها جامه عمل نبوده که ناامنی چون ازدهای دوسر زندگی و حیات مردم را به مخاطره انداخته است.

نزدیک دوسال است که گروه های کوچک و بزرگ تروریستی فعالیت شان را در مناطق مختلف کشور سازمان داده اند. این گروه ها توانسته اند مناطق بیشتری را تحت کنترل آورد و به انواع واقسام گوناگون مأمور نظامی داد.

نامانی نیز همواره با فراز و نشیب زیادی برخوردار بوده است. گاه با شدت تمام اوضاع کشور را وخیم ساخته و جان انسان های زیادی را گرفته است. ولی گاه کمی آرامتر شده و در آمار تلفات نظامی و غیرنظامی کاهش به عمل آمده است. امسال مردم افغانستان سال خوبی را تجربه نکردند. حملات نظامی، پروسه گروگانگیری، مابین های کنار جاده و موجی از انفجار و انتحار، روز به روز زندگی را بر مردم تلخ و غیر قابل تحمل ساخته اند.

حمله تروریستی ۲ اسد شوک عظیمی را در سراسر کشور پدید آورد و صدها خانواده را داغدار کرد. اما هنوز خون شهدای ۲ اسد نخشکیده که حادثه تروریستی دیگر در چوک کوته سنگی رخ می دهد. این سلسله ترورها فضا را بیشتر برای مردم افغانستان تنگ می سازد و آنها را نسبت به آینده زندگی ناامیدتر می کنند. اما این که چرا حکومت در عرصه تأمین امنیت ناکام می باشد، باید چند مسأله را مورد بررسی قرار دهیم:

اول - علت ناامنی ها باید جستجو شود و راه حل های معقول و قابل قبول برای کاهش ناامنی پیشنهاد گردد.

دوم - تهدیدات امنیتی لزوماً از طرف کدام شخص و نهاد صورت می گیرد و شناسایی منبع معتبر و مقتدر خطرات امنیتی راه مقابله با تهدیدات را آسان تر می سازد.

سوم - ابزار ها و امکانات خود را نسبت به حجم تهدیدات امنیتی به سنجش بگیرد. حال این که مقامات حکومتی نمی تواند بر مشکل ناامنی غلبه کند تا حدودی تقصیر به گردن آنها است.

درافغانستان به چه معیار و میزانی مراحل فوق مورد ملاحظه و عمل واقع می شود؟ به چه میزان کارگزاران سیاسی و مشاورین امنیتی و نیروهای موظف و مسئول، متعهدند ابزارهای علمی و نظری لازم را برای رفع تهدیدها و شناخت آن ها به کارگیرند؟

به نظر می رسد، کادراهای امنیتی در افغانستان به میزان زیادی نسبت به سایر ارگانهای دولتی از کارایی و توانایی خوبی بهره مند باشد. هرچند که چالش های فراوانی نیز در این مسیر وجود دارد.

رفع این موانع و نارسایی ها مستلزم هماهنگی و همسویی میان تمامی ارگان های مسئول است و در صورت هماهنگی و علمی گرایی شاهد افزایش توانمندی های امنیتی این کشور خواهیم بود. بدون تردید دید مردم افغانستان به سوی بهترین برنامه اجرایی در این خصوص متمرکز خواهد شد.

امنیت به عنوان عامل تعیین کننده در سر نوشت کشور از اهمیت فوق العاده برخوردار می باشد و برعکس ناامنی یک مغضل بزرگ برای جوامع به حساب می آید. ناامنی به نوبه خود پیامدهای مخرب دیگری را نیز در جامعه به دنبال می آورد که می توان در این عرصه از فساد، قاچاق انسان ها، مفاسد مالی، فرقه های گمراه، تروریسم و رفتارهای خشونت آمیز نام برد. نابرابری در آمدها و ثروت، بیگاری، ناامیدی از چشم انداز زندگی، ابعادی از امنیت اجتماعی هستند که در نهایت امنیت و نظم عمومی را کاهش می دهد. پس تا زمانی که امنیت به وجود نیاید، انکشاف اقتصادی، عدالت، برابری و حاکمیت قانون نیز صورت نخواهد گرفت. این مفاهیم زمانی معنا و مفهوم پیدای کنند که بستر امنیتی آنها در کشور فراهم باشد.

بعد از رویداد خونین دوم اسد، فضای اجتماعی افغانستان به شدت متشنج است. پست های شهروندان کشور در فضای مجازی بازتاب تنش هایی است که در درون اجتماع در حال جریان است و هر روز نیز بیشتر می شود. همه انگشت اتهام بسوی هم دراز می کنند و مسئولیت حادثه را به دوش هم می اندازند؛ از شخصیت های نامدار اعضای جنبش روشنائی کمسیون از شهروندان نیز حکومت را متهم می کنند و می گویند مسئولیت تأمین امنیت شهروندان در هر حالتی به دوش حکومت است. حکومت برای بررسی رویداد دوم اسد یک هیئت حقیقت یاب تعیین کرده است که لوی ثارنوال کشور در راس آن قرار دارد. اما اعضای جنبش روشنائی در کنفرانس خبری خود در روز چهارشنبه هفته ی قبل گفتند که این کمسیون را قبول ندارند.

اعضای جنبش روشنائی گفته اند که رویداد دوم اسد در دهمزنگ باید از سوی نهادهای بین المللی متخصص بررسی شود. به اعتقاد اعضای جنبش روشنائی کمسیون حکومتی نمی تواند بی طرفانه قضاوت کند. آنها می گویند: «هیچ کس به نمایندگی از خانواده های قربانیان در این کمسیون حضور ندارد. حالا سوال اساسی این است که آیا اعضای این کمسیون می توانند به صورت بی طرفانه از کسانی که قدر تمدنتر از اعضای این کمسیون است، تحقیق کنند؟ جواب این سوال منفی است.»

اعضای جنبش روشنائی همچنان حکومت را متهم به بی توجهی می کنند، آنها می گویند: «از نظر ما هنوز حکومت و نیروهای امنیتی حداقل متهم به بی توجهی هستند. در این داستان کمسیون خود متهم، خود دادستان و خود قاضی شده است. این کمسیون و نتایجش هر چه باشد، از حالا از طرف خانواده های شهدای معظم، جنبش روشنائی و شورای عالی مردمی مردود است. این کمسیون، کمسیون حکومتی است.»

یکی از دلایل دیگر که اعضای جنبش روشنائی کمسیون حقیقت یاب حکومت را رد می کنند و آن را نمی پذیرند این است که کمسیون های مشابه در گذشته نتایج خوبی نداشته است و نتوانسته است واقعیت ها را برای مردم افغانستان آشکار

و حشمت ادامه دارد؛ آوارگان ویتنامی، قربانیان پل پوت در کامبوج، قربانیان انقلاب ایران، آوارگان افغان و آوارگانی که از دست اسرائیل گریخته اند؛ دوباره، و دوباره، بچه ها و زنان و مردان، قربانی فانتزی های دیوانه وار می شوند. برای جلوگیری از این حوادث شگرف چه می توانیم انجام دهیم؟ اصلاً کاری می توان کرد؟ پاسخ من چنین است: بله. معتقدم کارهای زیادی است که می توانیم انجام دهیم، وقتی می گویم «ما» منظورم روشن فکران است، آدم هایی که به ایده ها علاقه مندند، به خصوصی آنانی که می خوانند و شاید می نویسند. چرا فکر می کنم که ما روشن فکران می توانیم کمک کنیم؟ به این دلیل که ما روشن فکران صدا است که

ضرورت بیان حقیقت

مهدی مدیر



حکومت و کمسیون های حقیقت یاب، افزایش داده است. یکی از این کمسیون های حقیقت یاب در مورد سقوط ولایت کندوز به دست طالبان، تشکیل شد، اما نتایج تحقیق این کمسیون هیچ وقت بیرون داده نشد و هنوز هم کسی نمی داند که کندوز چرا سقوط کرد و چه عواملی باعث شد که یکی از مهمترین ولایت های شمال کشور به دست طالبان سقوط کند و بسیاری از امکانات دولتی به غارت برود. حمله به ریاست امنیت رجال برجسته ی کشور نیز یکی دیگر از مواردی است که نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب، هیچگاه بیرون داده نشد.

بیرون ندادن نتیجه ی تحقیق کمسیون های حقیقت یاب از سوی حکومت، پیامد خوبی ندارد. بسیاری از مردم افغانستان انتظار دارند که بفهمند چه کسانی باعث کشتار فرزندان شان می شوند، چه کسانی هر روز امنیت و آرامش آنها را برهم می زند، اما همواره این موضوع به مردم افغانستان روشن نمی شود؛ کاری که اکنون اعتماد به چنین کمسیون ها

فاصله را از بین برده است و هر روز حمله ها را بیشتر می کند.

در شرایطی که وضعیت امنیتی کشور هر روز بیشتر شکننده می شود و حمله

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

های تروریستی با شدت بیشتری انجام می شود، اعتماد سازی بین دولت و ملت می تواند برای تقویت نظام و حفظ ارزشها و دست آوردهای پانزده ساله، موثر تمام شود. در این شرایط اگر فاصله ی مردم با حکومت زیاد شود و اعتماد شان به حکومت از بین برود، کار برای حکومت دشوار تر می گردد. اما حکومت افغانستان انگار متوجه این مسئله نیست و هر روز با کتمان حقایق سعی دارد اعتماد مردم را بیشتر از دست بدهد.

در یک چنین شرایطی رهبران حکومت وحدت ملی با درک واقعیت های اجتماعی، باید تلاش ورزند تا با مردم نزدیکتر شوند و اعتماد مردم را بیشتر جلب کنند،

جلب اعتماد مردم به حکومت و همچنان کمسیون های حقیقت یاب در مورد رویداد دهمزنگ و سایر رویدادها، ممکن نیست مگر با رفتار صادقانه و بیان حقیقت برای مردم.

حکومت وحدت ملی اگر می خواهد مردم افغانستان را در کنار خود داشته باشد و هر روز فاصله اش با مردم بیشتر نشود، باید بصورت شفاف و با جزئیات نتایج تحقیق کمسیون حقیقت یاب رویداد دهمزنگ را با مردم شریک سازد، تا از سوی مردم افغانستان بدانند که چه کسانی فرزندان

مدارا و مسئولیت روشن فکر

کارل ریموند پوپر / ترجمه: محسن محمودی/قسمت اول



ولتر به درستی فهمید تساهل ورزیدن دشوار است؛ در واقع محدوده های مدارا اینجاست: اگر ما حق تساهل ورزیدن را مورد مدارا قرار ندهیم، آن گاه مدارا و دولت مشروطه را نابود کرده ایم - سر نوشت جمهوری وایمار چنین بود - اما جذا از عدم مدارا، هنوز خطاهای دیگری وجود دارد که نباید بدانها تساهل ورزیم، بالاتر از همه خطایی است که باعث می شود روشن فکران پیرو مد روز باشند، خطایی که باعث شده بسیاری از نویسندگان سبکی مبهم و تأثیرگذار داشته باشند، سبکی رموز که گونه در فاست از ریشه نقدش کرد (مثل جسدول ضرب جادوگر)؛ این سبک، سبک کلمات باشکوه و مبهم، سبک کلمات قلمبه و غیرقابل فهم را دیگر نباید ستود و حتی روشن فکران نباید بدان تساهل ورزند؛ این سبک به لحاظ فکری مسئولیت ناپذیر است، دشمن عقل سلیم است، عقل را خراب می کند، فلسفه های کمپوزیتی گرای می نامند را ممکن می کند، فلسفه های که تزش چنین است: همه ی تزا به لحاظ فکری، کم و بیش به یک اندازه قابل دفاعند. بدین ترتیب، تزی نسبی گرایی منجر به آثار شمی و بی قانونی می شود، منجر به فرمائروایی خشونت می شود.

حرف من یعنی مدارا و مسئولیت روشن فکر، مرا به سؤال از نسبی گرایی رهسپار کرده است. در این نقطه مایلم نسبی گرایی را با موضعی که همیشه با نسبی گرایی اشتباه گرفته می شود ولی در واقع کاملاً از آن متفاوت است مقایسه کنم، من این موضع را غالباً پلورالیسم نامیده ام،

ایدئولوژی ها در توجیه ایذا، ظلم و وحشت با یکدیگر رقابت داشتند: ناسیونالیسم، نژادپرستی، راست کیشی سیاسی و دیگر ادیان. در پس ایده های راست کیشی و الحاد، رقت انگیزترین فساد لانه کرده، فساد که به خصوص روشن فکران مستعدش هستند: غرور، خودبینی منجر به دکماتیسم، بیهودگی فکری؛ این ها همه مفاسد سی رقت بارند، مثل ظلم مفاسد بزرگی نیستند. مدارا پیامد ضروری قبول جایز الخطا بودن ماست: خطا کردن امری انسانی است و ما دائم خطا می کنیم، پس بیاید خطاهای یکدیگر را ببخشاییم، این اولین اصل حقوق طبیعی است.

ولتر در اینجا به صداقت فکری ما تمسک می گوید: باید اشتباهات، جایز الخطا بودن و چهل خود را بپذیریم. ولتر به خوبی می داند تندرورها هم وجود دارند، اما آیا آنان هم صادقانه حکم می کنند؟ آیا آنان برای این عقاید صادقانه خود، عقاید و دلایل آن عقاید را بررسی کرده اند؟ آیا خودانتقادی بخشی از صداقت فکری نیست؟ آیا مایه ی تندروری غالباً خفه کردن آن بی ایمانی ناخوابستای نیست که سرکوبش کرده ایم و بنابراین بدان چندان آگاهی نداریم؟ توسل ولتر به اعتدال فکری ما و مهم تر از آن، توسل او به صداقت فکری ما تأثیر عمیقی بر روشن فکران زمانه اش داشت. مشتاقم این ایده ی ولتری را توضیح دهم.

دلیل ولتر در حمایت از مدارا آن است که ما باید خطاهای یکدیگر را ببخشاییم، اما خطای عمومی، عدم مدارا است.

ولی این منجر به بدفهمی شده است، پس من باید آن را در اینجا پلورالیسم انتقادی بنامم. اگر نسبی گرایی که از دل یک تساهل سست بنیاد برمی آید منجر به فرمائروایی خشونت می شود، پلورالیسم انتقادی می تواند به کنترل خشونت کمک کند.

برای تمایز نسبی گرایی از پلورالیسم انتقادی، ایده ی حقیقت اهمیت حیاتی دارد. نسبی گرایی موضعی است که در آن یا می توان هر حرفی زد و هر کاری کرد یا نمی توان هیچ حرفی زد و هیچ کاری کرد، یا همه چیز درست است یا هیچ چیز درست نیست، پس حقیقت، مفهومی بی معناست. پلورالیسم انتقادی موضعی است که می گوید به خاطر تعقیب حقیقت، همه ی نظریات (هرچه بیشتر، بهتر) باید اجازه ی رقابت با نظریات دیگر را بیابند، این رقابت شامل بحث عقلانی درباره ی نظریات و حذف انتقادی آن ها می شود، این بحث باید رقابتی باشد و این بدان معناست که این بحث باید درباره ی حقیقت نظریات رقیب باشد: نظریه ی بهتر آتی است که در بحث انتقادی به نظر برسد به حقیقت نزدیک تر می باشد؛ نظریه ی بهتر جای نظریات ضعیف تر را می گیرد. پس سؤال از حقیقت در دستور کار قرار دارد.

در اینجا ایده ی حقیقت عینی و ایده ی تعقیب حقیقت، اهمیت تعیین کننده دارند. اولین متفکری که نظریه ی حقیقت را بسط داد و ایده ی حقیقت عینی را به ایده ی جایز الخطا بودن بنیادین انسانی ربط داد، کسئوفانس پیشاسقراطی بود، او در سال ۵۷۱ پیش از میلاد در ایونیا، آسیای صغیر متولد شد و اولین یونانی ای بود که نقد ادبی نوشت؛ اولین فیلسوف اخلاق بود، اولین کسی که درباره ی معرفت بشری یک نظریه ی انتقادی طرح کرد و اولین یکتا پرست تأملی.

کسئوفانس بنیان گذار یک سنت بود، بنیان گذار آن نحو اندیشیدنی که دیگرانی مثل سقراط، اراسموس، مونتینی، لاک، هیوم، ولتر و لسینگ بدان تعلق داشتند؛ این سنت را گاهی مکتب شکاکیت نامیده اند، اما چنین عنوانی می تواند بهر احوالی منجر به بدفهمی شود، برای مثال Concise Oxford Dictionary می گوید: «شکاک... کسی است که درباره ی حقیقت نظریه ی دینی شک دارد... یک لادری، یک آنتیست... یا کسی که دیدگاه های کلی دارد.» اما (همان طور که Concise Oxford Dictionary به ما می گوید) واژه ی یونانی ای که این کلمه از آن مشتق شده به معنای «نوجه»، «تحقیق کردن»، «اندیشیدن» و «گشتن» است.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine